

## گذری بر «تربیت جهشی» به عنوان رویکردی نو در تربیت

مهديه كشاني<sup>۱</sup>  
اباذر كافي موسوي<sup>۲</sup>

### چکیده

روش تربیت صحیح از جمله مهم‌ترین مسائل نظام‌های آموزشی است. یکی از روش‌های تأثیرگذار که کمتر مورد توجه مربیان و اندیشمندان تربیتی قرار گرفته است: مفهوم «تربیت جهشی» است. مفهومی که در کنار تربیت مرحله‌ای قرار گرفته و بر تسریع در مراحل تربیت دلالت دارد، به گونه‌ای که گاه گذران این مراحل، قابل مشاهده نیست و در زمانی کوتاه و در جریان تحولی عظیم صورت می‌گیرد. لزوم پرداختن به چنین روش تربیتی در عصر حاضر و با توجه به سرعت روزافزون انباشت اطلاعات، ضروری می‌نماید و با یافتن عوامل مؤثر بر چنین پدیده‌ای می‌توان در جهت همگام شدن تربیت و پیشرفت سریع جهانی قدم برداشت. لذا این مقاله در پی آن است که به تبیین مفهوم و عوامل مؤثر بر تربیت جهشی بپردازد. بدین منظور از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه استقرایی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد سه دسته عوامل درونی، بیرونی و موقعیت تحول در جریان تربیت جهشی مؤثر وجود دارد. سن، عوامل وراثتی و روحیات فردی از جمله عوامل درونی و محیط، عوامل فرهنگی - اجتماعی و استفاده از نماد از جمله عوامل بیرونی و همچنین وجود فشار در موقعیت تحول از جمله سازوکارهای این نوع تربیت در موقعیت تحول هستند. **واژگان کلیدی:** روش‌های تربیتی، تربیت جهشی، تربیت مرحله‌ای، رویکردهای تربیتی.

۱. استادیار، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، m.keshani@cfu.ac.ir

۲. استادیار، دانشگاه فرهنگیان اصفهان، a.kafi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

## ۱. مقدمه

فلسفه و روش‌های تربیتی اسلام، از نظر وسیله و هدف، با دیگر روش‌های تربیتی متمایز و منحصر به فرد است. هدف بیشتر روش‌های تربیتی جهان، تربیت شهروند شایسته است (گل صنم لو و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۷۹)؛ اما هدف اسلام، تربیت انسان شایسته است، انسان با تمام خواص و گوه‌های نهفته در اندرون خود؛ انسان از جهت انسان بودن نه از جهت شهروند بودن (موسوی زاده، ۱۴۰۲). بر همین مبنا در سند تحول بنیادین، معلم خوب، معلمی است که سعی می‌کند انسانی پرورش دهد که زندگانی این جهانی را به خوبی بگذراند و برای زندگی آن جهانی نیز آماده شود. خود و جهان را بشناسد، فرمانروای خود گردد و به خدا رو کند (هاشمی، ۱۳۸۸). برای رسیدن به این مقصود، روش‌های متعددی با الگوگیری از روش‌های تربیت قرآنی و سیره عملی پیامبران و امامان معصوم طراحی و تبیین شده است.

روش‌های تربیتی بیان شده به وجود مراحل تربیتی خاص در زندگی افراد و نیز پشت سر هم بودن این مراحل تأکید کرده‌اند؛ لیکن با مطالعه سیر تربیتی برخی افراد، همچون خُر بن یزید ریاحی، بُشر حافی، فُضیل بن عیاض، معاویه بن یزید، جهانگیرخان قشقایی و بسیاری افراد دیگر، متوجه می‌شویم مراحل و مراتب تربیتی به سرعت طی شده و نحوه تحول و تغییر رفتار آنان بر اثر حادثه یا گفتاری شکل گرفته که شاید دیگران در قبال شنیدن آن جمله یا مشاهده آن رفتار، غیر منفعل بوده و دچار تحول نشده‌اند. در حقیقت، این افراد شاخص و بسیاری از افراد تربیت یافته دیگری که نام و نشانی از آنان نیست در مواجهه با یک اتفاق خاص، دچار تحول و دگرگونی روحی شده و به ناگاه مسیری جدید را انتخاب کرده‌اند که با گذشته آنان ناسازگار بوده است. این روش، همان پدیده‌ای است که تحت عنوان «تربیت جهشی» قابل بررسی و تأمل است. پدیده‌ای که در آن، شخص با گذر سریع از مراحل تربیت به مراحل بالاتر می‌رسد و رفتار مربوط به مراحل بالاتر را از خود نشان می‌دهد.

با مطالعه و واکاوی این روش می‌توان اسلوب و قواعدی را یافت تا با تعمیم و قاعده‌مند نمودن آن، مربیان و والدین بتوانند در راستای تربیت اخلاقی و رفتاری افراد در سنین متفاوت بهره‌گیرند. طبیعی است این روش در موارد و شرایط خاص، اثربخش است لیکن اثربخشی عمیق و تحولی آن،

به‌گونه‌ای است که نویدبخش فایده بخش بودن این روش بر افرادی است که امیدی به تغییر آنان نیست. بر همین اساس، سؤالات پژوهش به شرح زیر است؟

تربیت جهشی چیست و چه تفاوتی با تربیت مرحله‌ای دارد؟

آیا در تربیت جهشی، تعدادی از مراحل تربیت حذف می‌شود و یا این که سرعت گذر از این مراحل آن قدر سریع است که قابل مشاهده نیست؟

مؤلفه‌های تربیت جهشی چیست و آیا قابل دست‌کاری و ایجاد است و آیا می‌توان به طور خاص برای دست‌یابی به چنین منظوری برنامه‌ریزی نمود؟

سعی این مقاله بر این است که با پاسخ تطبیقی به این سؤالات از منظر علمی و دینی گام‌های نخستین در تبیین تئوریک مفهوم تربیت جهشی را برداشته و از این طریق، ذهن متفکران و اندیشمندان تربیتی را به این سمت متوجه نماید.

علی‌رغم جست‌وجو در نوشتار مرتبط به روش‌ها و اسلوب تربیتی، هیچ تحقیقی یافت نشد و همین امر، انجام پژوهش‌هایی در این رابطه را ضروری می‌نماید.

## ۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه استقرایی استفاده شد. مراحل شش‌گانه این روش و نحوه استفاده از آن توسط محققان در ادامه بیان می‌شود.

۱. تدوین پرسش‌های تحقیق: این پرسش‌ها بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی محقق راجع به موضوع مورد نظر، صورت‌بندی می‌شوند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۳۷) و در پژوهش حاضر عبارت بودند از: الف) تربیت جهشی چیست و چه تفاوتی با تربیت مرحله‌ای دارد؟ ب) آیا در تربیت جهشی تعدادی از مراحل تربیت حذف می‌شود و یا این که سرعت گذر از این مراحل آن قدر سریع است که قابل مشاهده نیست؟ ج) مؤلفه‌های تربیت جهشی چیست و آیا قابل دست‌کاری و ایجاد است و آیا می‌توان به طور خاص برای دست‌یابی به چنین منظوری برنامه‌ریزی نمود؟ تعیین واحد تحلیل: واحد تحلیل، شخص یا چیزی است که تحلیل بر اساس آن انجام می‌گیرد. مضمون، رایج‌ترین واحدی که پژوهشگران در تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار می‌دهند، مضمون است (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۵۳ - ۲۵۴)؛ یعنی معنای خاص برگرفته از یک کلمه، جمله یا بند

(معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶). در این پژوهش نیز از مضمون به عنوان واحد تحلیل استفاده شد.  
۲. ایجاد نظام مقوله‌بندی: مقوله‌های پژوهش حاضر بر اساس نظام استقرایی شکل گرفتند.  
در نظام استقرایی، ابتدا مقولات مشخص و بر اساس آن، داده‌ها، مرحله به مرحله از متن استخراج می‌شوند (مایرینگ، ۲۰۱۴، ص ۸۱). در این پژوهش، عوامل مؤثر بر تربیت جهشی به عنوان نظام مقوله‌بندی انتخاب شدند.

۳. نمونه‌گیری هدفمند: در این نوع نمونه‌گیری، منابعی برای بررسی انتخاب می‌شوند که واجد بیش‌ترین اطلاعات، پیرامون موضوع مورد نظر هستند. این منابع را نمی‌توان از ابتدای پژوهش به طور کامل و دقیق مشخص کرد؛ زیرا انتخاب هرکدام به کفایت اطلاعاتی که از منابع بررسی شده به دست آمده است، بستگی دارد. به این ترتیب، نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری (زمانی که هیچ داده جدیدی به دست نیاید) ادامه می‌یابد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۵<sup>۱</sup>، ص ۳۸۹ - ۳۹۸).  
در نهایت، به منظور تلخیص نتایج، داده‌های تکراری و مشابه، حذف یا در یکدیگر ادغام شد.

۴. تحلیل و استنباط از متن: در این مرحله، پژوهشگر ادراکات خود از محتوای داده‌ها را با نگاهی عمیق بررسی می‌کند تا دلالت‌های ضمنی آن را استنباط کند (جنسن و جانکوسکی، ۲۰۰۲<sup>۲</sup>، ص ۱۸۴). در این پژوهش، داده‌های به دست آمده ذیل عوامل مؤثر بر تربیت جهشی، مورد تحلیل قرار گرفت و اهداف، روش‌ها، نتایج و موانع تحقق هر یک از ساحت‌ها استنباط شد. هم‌چنین بر اساس این تحلیل، ارتباط ساحت‌ها با یکدیگر مشخص شد.

۵. پاسخ به پرسش‌های تحقیق: در پایان، بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش و تحلیل و استنباط‌های مبتنی بر آن، به سؤال‌های پژوهش پاسخ داده شد.

### ۳. تربیت مرحله‌ای

منظور از تربیت مرحله‌ای، وجود مراحل مختلف و پشت سرهم در جریان تربیت است (هانت، ۱۳۶۷، ص ۲۴۴). ترتیب و توالی این مراحل در جریان رشد افراد ثابت است اما سن و سال رسیدن به هر یک از مراحل در اثر عوامل مختلف، متفاوت است (همان). این مراحل، قبل از تولد آغاز شده و

1. Gall, borg & Gall

2. Jensen & Jankowski

3. David Hunt

بر طبق نظریات مختلف تا سنین خاصی ادامه دارد؛ که عمدتاً مرزبندی آن‌ها تا دوران جوانی است. لذا در این رویکرد، وظیفه مربی ایجاد زمینه برای هدایت صحیح و طی نمودن توأم با موفقیت این منزلگاه‌ها است. شخص در این رویکرد تنها زمانی می‌تواند وارد مراحل بعدی شود و وظایف مخصوص به آن را انجام دهد که مراحل قبلی را با موفقیت گذرانده باشد. روند رشد در این رویکرد تربیتی در ابعاد مختلف جسمی، شناختی، اخلاقی و عاطفی اتفاق می‌افتد.

اسلام نیز اصل رشد و مرحله‌ای بودن آن را می‌پذیرد، لیکن دوران آن را در سه مرحله خلاصه کرده و به موقعیت جسمانی و روانی فرد و طرز برخورد مناسب مربی با مربی به طور اجمال اشاره نموده است (امینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی می‌فرماید: فرزند آدم در هفت سال اول زندگی، آقا و بزرگ است و در هفت سال دوم، بنده و فرمان بردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور خانواده است. بعد از مراقبت‌های تو در این بیست و یک سال؛ اگر اخلاق او مورد رضایت بود که بهتر و گرنه او را به حال خود واگذار که تو نزد خدا معذور خواهی بود<sup>۱</sup> (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۲).

#### ۴. تربیت جهشی

در پرداختن به مفهوم تربیت جهشی توجه به سه نکته حائز اهمیت است.

نکته اول اینکه منظور از جهش در تربیت جهشی به معنی نپیمودن مراحل تربیت نیست، بلکه منظور تسریع در فرایند تربیت و مراحل آن است. همان‌طور که پیازه (۱۹۳۲) و کلب برگ (۱۹۶۹) که به طور مجزا بر روی ساحت‌های شناختی و اخلاقی کودکان کار کرده‌اند؛ اعتقاد دارند آدمی در فرایند تربیت از مراحل چند می‌گذرد و این مراحل با توالی و ترتیب منظم و ثابت در همه کودکان و در میان تمامی فرهنگ‌های جهان نمودی مشابه به خود می‌گیرد، تنها تمایز و تفاوت در فرهنگ‌ها تسریع یا تأخیر دستیابی در مراحل است. به عبارتی تحول شناختی و اخلاقی در کودکان جبراً واجد مراحل متوالی است، هرچند سرعت رسیدن به این مراحل برحسب عوامل مختلف متفاوت است (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۲۶). علمای علم اخلاق نیز بر این عقیده‌اند که برخی عوامل در جریان تربیت، سرعت حرکت انسان را به سمت کمال، بسیار سریع‌تر می‌کند (ری شهری، ۱۳۷۹)

۱. الولدُ سیدٌ سبع سنین و عبدٌ سبع سنین و وزیرٌ سبع سنین، فإن رضیتَ أخلاقَهُ لإحدى و عشرين و الّا فاضرب علی جنبه، فقد أَعَدَرْتَ إلی الله تعالی.

نکته دوم اینکه گاه سرعت طی نمودن مراحل تربیت آن قدر زیاد است که روند آن قابل مشاهده نیست. این جریان به علت تغییرات درونی و نیز جهش ناگهانی ملموس نیست؛ به همین دلیل است که این بعد تربیتی هنوز هم ناشناخته مانده، آن هم در جایی که موارد وقوع آن بسیار زیاد است. باید توجه نمود که نباید تنها به اشخاص محدودی همچون خُر و یا بُشر حافی که دچار تحول عظیم در تربیت شده اند اکتفا نمود؛ چراکه بسیاری از تحولات تنها در یک بعد انسانی به وقوع می پیوندند و همه ابعاد شخصیت فرد را تغییر نمی دهند و به همین خاطر آن قدرها محسوس نمی باشند. لذا به طور روزمره در افراد جهش های کوچک تربیتی به وقوع می پیوندد که تنها تأثیر آن در تغییر سبک زندگی و یا صرفاً تغییری درونی و غیرقابل مشاهده است، مانند تغییرات در مسائل بینشی و اعتقادی.

نکته سوم اینکه تحول و یا سرعت طی نمودن مراحل تربیت در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و اخلاقی صورت می پذیرد. آنچه اهمیت دارد این است که بُعد شناختی، زیربنای دیگر ابعاد تربیتی در انسان است. این بدین معنی است که تحولات روانی در افراد بسته به تحولات شناختی صورت گرفته در آن ها است. از این رو، تبیین مراحل تحول روانی انسان تابع تغییر ساحت های شناختی و پدید آمدن ترازهای تازه توانایی های عقلی است (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۳۴). امام علی علیه السلام در این رابطه می فرمایند: با وجود خرد است که نفس به کمال می رسد<sup>۱</sup> (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۵۲۶۴) و یا در روایتی دیگر می فرماید: عقول انسان هدایتگر اندیشه ها، اندیشه ها هدایتگر قلوب، قلوب هدایتگر حواس و حواس حاکم بر اعضا و جوارح آدمی است<sup>۲</sup> (ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۳۸۷۲). این امر همان اتفاقی است که در روز عاشورا، برای خربن یزید ریاحی رخ داد؛ زمانی که مبانی فکری خُر در اثر برخورد با امام دچار تحول شد؛ دیگر ابعاد شخصیتی او نیز تحت تأثیر قرار گرفت و در پی آن دل در گرو عشق حسین علیه السلام بست و رفتار او در برون دچار تحول شد که در نهایت به لشگریان امام پیوست و به شهادت رسید.

پس، از این رو باید به پرورش بعد شناختی افراد به عنوان زیربنای دیگر تحولات توجهی خاص نمود. با توجه به مؤلفه های فوق، می توان تربیت جهشی را این گونه تعریف نمود: «تسریع در گذر از مراحل تربیت و رسیدن به مراحل بالاتر در یک یا چند بعد وجودی آدمی به گونه ای که گاه این گذر ملموس و محسوس نیست». در ارتباط با این تعریف، توجه به چند نکته حائز اهمیت است.

۱. «بالعقل کمال النفس».

۲. «العقول أئمة الأفكار والأفكار أئمة القلوب والقلوب أئمة الحواس والحواس أئمة الأعضاء».

اول اینکه، تسریع در تربیت جهشی، طیف وسیع زمانی را شامل می‌شود؛ از جمله اینکه به عنوان مثال مربی در تلاش تربیتی خود به جای روند معمول یک ساله در به نتیجه رساندن هدف تربیت، مدت زمان کمتری را صرف می‌کند، مثلاً چهار یا شش ماه؛ و به همان بازده و هدف تربیتی دست می‌یابد؛ و یا اینکه در بالاترین طیف تسریع؛ تحولات تربیتی و آن هم در یک مدت زمان کوتاه رخ می‌دهد، مانند آنچه برای خُر در روز عاشورا اتفاق افتاد.

دومین نکته که در رابطه با تعریف فوق قابل ذکر است، ابعاد تربیت است. در تربیت جهشی، همه ابعاد وجودی انسان می‌تواند مدنظر قرار گیرد؛ از جمله شناختی، اجتماعی، اخلاقی، فردی و دیگر ابعاد؛ اما آنچه در این زمینه اهمیت دارد این است که در جریان تربیت جهشی می‌توان به چند بعد به طور هم‌زمان توجه نمود و در آن‌ها تغییر ایجاد کرد که زیربنای رسیدن به این مقصود، توجه به بعد شناختی است. در آخر هم باید گفت که منظور از ملموس و محسوس نبودن تحول در تربیت این است که سرعت تحولات به وجود آمده در مربی، گاه آن قدر سریع و درونی است که نمادهای بیرونی آن، فرصت بروز و تجلی نمی‌یابد و بعد از این مدت زمان کوتاه، در قالب یک تحول تربیتی تجلی می‌کند. در نهایت، باید گفت که هدف از تربیت جهشی تنها رسیدن به تحولی کلی و همه‌جانبه در افراد نیست، بلکه مهم این است که در جریان تربیت، تسریعی هر چند کوچک به وقوع بپیوندد، چرا که همین حرکت‌های کوچک تربیتی است که در نهایت، تکامل آدمی را سال‌ها زودتر رقم خواهد زد.

#### ۱-۴. نمونه‌هایی از تربیت جهشی

اگر به تاریخ و مخصوصاً تاریخ شیعی نظری بیندازیم، خواهیم دید که افراد زیادی بوده‌اند که در جریان زندگی خود تحول و جهش را تجربه نموده‌اند. تمامی این افراد، تنها نمونه‌های بارز و سرآمد چنین تربیتی می‌باشند. اشخاصی چون خُربن یزید ریاحی، بُشر حافی و جهانگیرخان قشقایی از این دست می‌باشند.

خُر که نماد بارز این افراد است، شخصیتی است عادی، که به دلیل عدم آگاهی سیاسی و شناخت جریانات اساسی زمان، در سیر طبیعی زندگی شخصی‌اش به استخدام دولت اموی درآمد و تنها به دلیل خصوصیات فردیش مقامی را حائز شده است. آن هم مقامی که برایش جنبه شغلی دارد نه بر اساس یک جبهه‌گیری خودآگاهانه سیاسی در دفاع از رژیم و مقابله با نیروها و جبهه‌های